معنای حدیث حرف واحد : رد قول رائج اهل تسنن مبنی بر جواز قرائت بالمعنی

بنابراین آن چه که الآن عرض میکنم این است که چرا شیعه سؤال نمی کرد؟ بهخاطر اینکه شیعه یک امر میدانی بیرونی داشتند، همانی که ما الآن داریم بحث میکنیم. یکی هم روایات معروف داشتند که قرآن حرف واحد است. یکی هم قرائاتی بود که متداول بود. شیعه چطور بین اینها جمع میکرد؟ به این صورت جمع میکردند: میگفتند اهل البیت به ما گفته اند «قرآن حرف واحد» است. یعنی «یحرم علیکم نقل القرآن بالمعنی»؛ تلاوت القرآن بالمعنی حرام است. اصلاً خود شیعه در آن زمان میفهمید. و لذا یک شیعه پیدا نمیکنید که خودش در یک جایی عملاً ای اینکه فتوا داده باشد که تلاوت قرآن به معنا جایز است. بین اهلسنت هم در آن قرن فراوان بود. البته بعداً از بین رفت. فراوان پیدا میشد. همین زهری که محدث هست اما قاری نیست؛ اگر قاری بود که این حرفها از او نقل نمیشد. امثال عاصم با زهری معاصر بودند. زهری محدث بود و عاصم قاری بود. زهری بهعنوان یک محدث زمانی این حرفها گفت که در قرن بعدی با زحمات قراء دیگر کسی جرأت نمی کرد که این حرف را بزند و خجالت میکشید بگوید. به او میخندیدند.

عاصم این کارها را کرد تا به این شکل شد. زهری گفت: وقتی میخواهم حدیث نقل کنم یادم رفته لذا آن را عقب-جلو میکنم، گفت «ان ذلک یجوز فی القرآن»؛ اگر قرآن را هم عقب جلو بخوانی مانعی ندارد. «اذا اصبت المعنی فلامانع»؛ مقصود را بگو مشکلی ندارد. این زهری مهم آنها است. و تا شافعی هم همینطور بود. من قبلاً دوازده مورد را عرض کردم. نه یک نفر و دو نفر، ابو حنیفه میگوید چون قرآن «نزل علی سبعه احرف» پس نماز را به فارسی بخوانید. چون فارسی هم که بخوانید باز قرآن است. همین کافر ماجرائی که من عرض میکردم؛ کسی که ترجمه سوره حمد را میخواند واقعاً قرآن میخواند؟ جواب ابوحنیفه را بدهید. او میگوید قرآن است ولی ترجمه قرآن هم قرآن است. یادتان هست که از الموسوعه الفقهیه الکویتیه استدلال هایش را خواندیم. حالا در چنین فضایی وقتی به این صورت معنا میکنیم، معنای روایت معلوم میشود.

بازبینی #2
ایجاد شده 21 آوریل 2024 13:59:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2024 15:55:28 توسط ... .